

هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تأثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان

علیرضا مرادی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۹

تاریخ تأیید مقاله: ۹۴/۹/۱۴

چکیده

در این مقاله با رویکردی تحلیلی، نقش هویت فرهنگی اقوام ایرانی بر هویت ملی و انسجام ملی و تقویت آن بررسی شده است. گذشته تاریخی، حماسه آبا و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی و هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهند. هویت قومی به هویت اجتماعی کوچک‌تر از یک اجتماع بزرگ اطلاق می‌شود که تعلقات خونی، نیاکانی یا اسطوره‌ای موجبات همبستگی و پیوند آنان را بر اساس سلسله‌مراتب اجتماعی و سیاسی فراهم آورده است. هویت فرهنگی ایرانیان و اقوام ایرانی را می‌توان در پنج حوزه زبان، دیانت، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی و نظام اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. هویت ملی، نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی فرد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام یک جامعه می‌شود. انسجام ملی نیز به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. با توجه به تکثر و تنوع فرهنگی حاکم بر فضای فرهنگی ایران بدیهی است که نمی‌توان نقش مؤثر اقوام و هویت فرهنگی و قومی آنها را در شکل‌دهی به هویت فرهنگی، هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان نادیده گرفت. با پذیرش تنوع فرهنگی اقوام ایرانی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی آنها و استفاده از رویکرد هم‌افزایی فرهنگی، می‌توان با بهره‌گیری از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های گوناگون اقوام به تحکیم بنیان‌های هویت فرهنگی و ملی و انسجام ملی ایرانیان کمک شایانی کرد.

واژگان کلیدی: هویت فرهنگی، هویت قومی، هویت ملی، انسجام ملی.

الف) مقدمه

تنوع فرهنگی و وجود فرهنگ‌ها و اقوام مختلف و متنوع در ایران، همانند شمشیر دو لبه‌ای است که در صورت بهره‌گیری مناسب، می‌تواند عاملی در جهت تقویت هویت فرهنگی، هویت قومی و ملی و انسجام فرهنگی و ملی کشور باشد یا با سیاستگذاری‌ها و برخوردهای نامناسب با قومیت‌ها، به عنوان عاملی در جهت انشقاق و گسست اجتماعی و ملی، تضعیف هویت ملی و فرهنگی و تجزیه فرهنگی کشور نقش خود را ایفا کند. بنابر این، با توجه به ارزش‌ها، باورها و خواسته‌ها و مطالبات فرهنگی اقوام ایرانی و آگاهی از چگونگی اثرگذاری هویت فرهنگی اقوام در هویت فرهنگی و ملی ایرانیان و انسجام ملی، می‌توان در جهت تقویت انسجام ملی و فرهنگی کشور برنامه‌ریزی کرد و گام‌های مؤثر برداشت. در این مقاله تلاش بر این است تا با رویکردی تحلیلی با توجه به آرا و اندیشه‌های محققان، نقش هویت فرهنگی اقوام ایرانی بر هویت ملی و انسجام ملی و تقویت آن، بررسی و راهکارهایی در این حوزه ارائه شود.

ب) هویت فرهنگی

فرهنگ عبارت است از: ارزش‌هایی که یک گروه معین از آن پیروی می‌کنند، کالاهای مادی که تولید می‌کنند و کلیه اشکال زندگی یک قوم، از جمله پایه‌های تفکری آن را تشکیل می‌دهد و تمام زمینه‌های فنی موجودیت آن قوم (از جمله البسه، ساختمان و ابزار) را در بر می‌گیرد. (وحید، ۱۳۸۲: ۱۰۵)

هویت، معطوف به چیستی و کیستی انسان‌ها به صورت انفرادی و جمعی است که می‌تواند امری احساسی یا آگاهانه، واقعی یا خیالی، موجود یا جعلی باشد (صالح، ۱۳۸۸: ۱۲۲). هویت به عنوان پدیده‌ای که دامنه آن از خصوصی‌ترین تجلیات فردی تا عمومی‌ترین حوزه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد، حاصل دیالکتیک خود و دیگری است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

فرهنگ و هویت فرهنگی^۱ تا حدود زیادی دارای سرنوشتی به هم پیوسته‌اند؛ اما فرهنگ، بیشتر با فرآیندهای ناخودآگاه در ارتباط است و هویت با هنجاری از تعلق که الزاماً خودآگاه است. (کوش، ۱۳۸۱: ۱۴۲)



هر گروه اجتماعی، دارای تاریخ، ضوابط خویشاوندی، شیوه اقتصادی، مقررات، مناسک اعتقادی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود است. این خصوصیات که فرهنگ یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به عبارت دیگر؛ گذشته تاریخی، حماسه آبا و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، عصبیت‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی، «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهند.

هویت فرهنگی یک جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخی، زبانی، روان‌شناختی. اهمیت این عوامل در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هرگاه این عوامل به طور کامل در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می‌شود. تلفیق موزون این عوامل، وضعیت ایده‌آل است. (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

آنچه گروه‌های قومی - فرهنگی را از یکدیگر جدا می‌کند، در وهله اول، تفاوت فرهنگی نیست؛ بلکه چیزی که جدایی یا مرز پدید می‌آورد، اراده متمایز ساختن خویش و به کار گرفتن برخی ویژگی‌های فرهنگی به عنوان مشخص‌کننده هویت ویژه خویش است (کوش، ۱۳۸۱: ۱۶۲). هویت، شرط لازم زندگی اجتماعی است و بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، انسان‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۸)

فرهنگ را می‌توان مهم‌ترین منبع هویت انسان‌ها دانست. افراد و گروه‌ها با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی، هویت می‌یابند؛ زیرا این اجزا و عناصر، توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به ممتاز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. به بیان دیگر؛ فرهنگ، هم تفاوت‌آفرین است و هم انسجام‌بخش. (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۹)

دستاوردها و اندیشه‌های فرهنگی با مرزبندی‌هایی همچون: فرهنگ جهانی، فرهنگ آسیایی و فرهنگ ایرانی متمایز می‌شوند. شناساندن هویت فرهنگی بر علاقه‌مندی و دلبستگی و بازگشت به خویشتن افراد می‌افزاید و یکی از داروهای مؤثر در درمان «از خودبیگانگی» است. (پارسا بروجنی و تحویلیان، ۱۳۸۷: ۸۸)

کشور ایران به عنوان سرزمینی متشکل از اقوام گوناگون، به مثابه فرش رنگینی است که هر یک از اقوام در گوشه‌ای از آن گسترده شده‌اند؛ اقوامی که دارای عناصر فرهنگی متفاوت و در برخی موارد مشترکند. آنچه در این میان اهمیت دارد، رابطه فرهنگی



اندام‌واره اقوام ایرانی است که طی قرون متمادی، فرهنگ ایرانی را شکل داده است؛ به طوری که هر یک از اقوام ایرانی ضمن سعی در حفظ و صیانت از هویت فرهنگی و قومی خود، در شکل دادن به هویت فرهنگی و ملی ایرانیان نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کنند که می‌توان آن را یکی از دلایل انسجام ملی و فرهنگی ایرانیان طی اعصار گذشته دانست. بنابر این، برای روشن شدن ابعاد چنین نقشی، ابتدا باید با مفاهیمی مانند قومیت، هویت قومی، هویت ملی و انسجام ملی آشنا شد که در ادامه به تبیین این مفاهیم پرداخته می‌شود.

ج) قوم، قومیت و گروه قومی

دانش زیست‌شناسی ثابت کرده است که عاملی به نام نژاد وجود ندارد؛ جز اینکه به دلیل وراثت، برخی ویژگی‌های جسمی و روانی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود. هزاران منش اکتسابی و مشترک میان گروه‌های بشری وجود دارد که به گونه‌های مختلف از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۵۸). تنوع قومی^۱ ناظر بر اجتماعی است مرکب از اقوام مختلف با هویت‌های مختلف؛ چنین اجتماعی می‌تواند در درون هر یک از محلات تجمع انسان‌ها از جمله: روستا، شهر، کشور، سازمان، شرکت، حزب و گروه پدیدار شود (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۴۵).

قومیت، هم مؤلفه‌های عینی و هم مؤلفه‌های ذهنی دارد؛ مؤلفه‌های عینی شامل پیشینه تاریخی، دین، سرزمین، زبان مشترک و ... است و مؤلفه‌های ذهنی نیز عواملی چون: هویت، احساس تعلق به سرزمین خاص و منافع و علایق مشترک را شامل می‌شود. (فراهانی، ۱۳۸۶: ۸۹)

از نظر جامعه‌شناسی، گروه قومی عبارت است از: مردمی که در نتیجه میراث فرهنگی مشترک خود، از نظر اجتماعی متمایز محسوب می‌شوند. هیچ گروه قومی دارای ویژگی‌های ذاتی و فطری نیست، بلکه این ویژگی‌ها را از طریق جامعه‌پذیری در محیط خاص خود به دست می‌آورد. در مجموع، هشت شاخص را می‌توان به عنوان معیار تعیین گروه قومی ذکر کرد که عبارتند از: نیاکان واقعی مشترک یا باور به نیاکان اسطوره‌ای، پیشینه تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، زبان و مذهب مشترک، فضاهای

1. Ethnic Diversity.



زیست مشترک، آداب و رسوم مشترک، ارزش‌های مشترک، احساس تعلق به یک گروه واحد. البته برای اینکه یک گروه قومی، خود را قومیتی متمایز و مشخص بداند، لازم نیست همه شاخص‌های مذکور را داشته باشد. (کریمی، ۱۳۸۷: ۲۰-۱۸)

د) هویت قومی

انسان امروز دیگر نمی‌تواند وجود خود را در محدوده‌های یک هویت معین حفظ کند. ما هر چه بیشتر بر هویت خویش تأکید کنیم و هر چه تعلق خود را به یک گروه، قوم، دین یا ملت با صدای بلندتر فریاد بزنیم، آسیب‌پذیری هویت خویش را بیشتر نشان داده‌ایم (نساج، ۱۳۸۸: ۱۳۴). با این وجود، هویت قومی یکی از مهم‌ترین انواع هویت است که به خصوص در کشورهایی که از تنوع قومی و فرهنگی برخوردارند، اهمیت ویژه‌ای دارد. هویت قومی^۱ بخشی از هویت اجتماعی افراد است که در کنار هویت‌های دیگر، مانند هویت محلی، منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و غیره قرار می‌گیرد، ولی باید توجه داشت که هویت قومی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا از هویت‌های اولیه فرد محسوب می‌شود. هویت قومی، هویتی با محتوای فرهنگی و شامل عناصری مثل نمادها، اسطوره‌ها، خاطرات، آداب و مناسک خاص است (مهدوی و توکلی قینانی، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۳). هویت قومی را بر بنیاد شناسه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی تعریف می‌کنند که با آن، افراد با تمام یا برخی از جنبه‌های هویتی یک گروه پیوند می‌یابند. (نساج، ۱۳۸۸: ۱۳۰)

ه) اقوام ایرانی

تنوع و گوناگونی در ایران در زمینه‌های مختلف اقلیمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و جمعیتی به سادگی مشهود است. طبیعی است تنوع در ساختار فرهنگی، سیاسی و قومی کشور، عقاید و سلاقی، گرایش‌ها و مطالبات متنوع را به ارمغان می‌آورد. اهمیت توجه به اقوام از آنجا ناشی می‌شود که کشور ایران از تنوع فرهنگی برخوردار است و در این برهه از زمان، با توجه به تحولات و شرایط خاص حاکم بر نظام بین‌الملل، توجه مسئولان به مسائل قومی، به صورت علمی و منطقی و به دور از احساسات و

1. Ethnic Identity.



تعصبات خاص، امری مهم و ضروری می‌نماید؛ زیرا مسئله قومیت در جهان، منطقه و ایران، واقعیتی مهم و اساسی به شمار می‌رود. نکته دیگری که باعث می‌شود موضوع سیاست‌های قومی اهمیت بیشتری پیدا کند، این است که امروزه اقوام مختلف در کشور ما به آگاهی قومی رسیده‌اند و طبیعی است که خودآگاهی قومی بستر ساز سازماندهی و انسجام قومی می‌شود و ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران را در آینده‌ای نه چندان دور با سازمان‌ها، تشکله‌ها، کانون‌ها و مجامع فراوان قومی مواجه می‌سازد. در عین حال، ساکنان مناطق مرزی کشورمان در مجاورت کشورها یا قومیت‌های هم‌زبان خودشان واقع شده‌اند و این وضعیت خاص جغرافیایی، اهمیت توجه به موضوع قومیت‌ها و به خصوص سیاست‌های قومی را دو چندان می‌کند. اگر این موضوع مهم مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد، عواقب بدی را به دنبال خواهد داشت که جبران آن غیر ممکن خواهد بود و این احتمال برای کشور ما قابل تصور است که در آینده، ما نیز همانند سایر کشورهای چند قومی شاهد کشمکش‌ها و تنش‌های شدید قومی باشیم (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). مانند آنچه امروزه در اکثر کشورهای آفریقایی، عراق، افغانستان، سوریه، ترکیه، میانمار و سایر مناطقی که دارای تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی می‌باشند، شاهد هستیم.

فردی بمانت^۱ ایران‌شناس معاصر فرانسوی، اقوام ایرانی را بر حسب نام و توزیع جغرافیایی به کردها در مغرب، بختیاری‌ها در مرکز، لرها در منطقه لرستان، قبایل عرب در خوزستان، قشقایی‌ها در فارس، بلوچ‌ها و براهویی‌ها در بلوچستان، ترکمن‌ها در شمال و قزلباش‌ها در آذربایجان تقسیم کرده است. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۲۳-۲۲۲)

(و) هویت فرهنگی اقوام ایرانی

هویت فرهنگی یک ملت، حاصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی آن ملت است که در طول زمان شکل گرفته است. طبعاً این مبنا در مورد کشوری چون ایران، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که پیشینه تاریخی و تمدنی آن به هزاران سال می‌رسد که مجموعه‌ای بی‌نظیر از انباشت‌های گوناگون تجربی را در خود اندوخته است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

هر یک از اقوام تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی ایران، ضمن آنکه از هویت قومی ویژه‌ای

1. Fredy Be Mont.



برخورد دارند، زمینه گسترده‌ای از مشترکات، موجب وفاق اجتماعی و هویت فرهنگی یگانه آنان را فراهم کرده است (صالح، ۱۳۸۸: ۱۳۰). مؤلفه‌های فرهنگی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت قومی است. آداب و رسوم و زبان، دو وجه فرهنگی هویت قومی را تشکیل می‌دهند (ساج، ۱۳۸۸: ۱۴۴). در یک تقسیم‌بندی کلی، هویت فرهنگی ایرانیان را می‌توان در پنج حوزه با لحاظ کردن زیرمؤلفه‌های آنها بدین شرح تقسیم‌بندی کرد: زبان (نوشتاری و گفتاری)، دیانت (دین و مذهب)، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی (میراث مادی و میراث معنوی)، نظام اجتماعی (نظام آموزشی، نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام سیاسی و حقوقی) (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹). در ادامه به بررسی مؤلفه‌های هویت فرهنگی اقوام ایرانی بر اساس مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان پرداخته می‌شود.

۱. زبان

بخش انکارناپذیری از متن فرهنگی قومیت‌ها، زبان آنان است. زبان بومی و مادری افراد، یکی از عوامل زمینه‌ای است که فرد با تشخیص تمایز آن با اقوام دیگر و تشابه آن با همزبانان خود، در راه تشخیص و تفکیک هویت قومی خود قدم برمی‌دارد (صالح، ۱۳۸۸: ۱۲۵). زبان به عنوان نماد هویت، شامل مجموعه‌ای از شئون علمی، آموزشی، دینی و تاریخی است و به عنوان یک شاخص هویتی به دو شکل نوشتاری و گفتاری نمود پیدا می‌کند (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۶۹). بر اساس مطالعات انجام شده در پژوهشکده زبان سازمان میراث فرهنگی، تا به امروز چهار نوع گویش ایرانی شناسایی و مستندسازی شده است. بدیهی است که این تعداد وسیع، با محاسبه تمام لهجه‌های رایج در اقصی نقاط ایران، به دست آمده است. اما در این میان، برخی از گویش‌ها به دلیل تفاوت‌های عمده‌ای که با زبان اصلی دارند، با نام زبان از آنها یاد می‌شود. این موارد عبارتند از: فارسی، بختیاری و لری، کردی، بلوچی، ترکی، گیلکی، مازنی و عربی. هویت‌های عمده قومی در ایران نیز بر گرد این زبان‌ها شکل گرفته است (ساج، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۳۶).

به طور کلی مهم‌ترین گویش‌های متداول در ایران را شاید بتوان بدین ترتیب نام برد: کردی، بختیاری، لری، بلوچی، تاتی، لکی، گیلکی، تالشی، مازندرانی، خوزی، کاشی، اصفهانی، یزدی، کرمانی، شیرازی، سیوندی، همدانی، مشهدی، نیشابوری، بیرجندی، نایینی، انارکی، نطنزی، یازندی، فریزندی، خوری، مهرجانی، سمنانی، لاسگردی، سنگسری،

شهمیرزادی، سرخه‌ای، وفسی، آشتیانی، تفرشی، قزوینی، تاکستانی، اشتهازدی، محلاتی، خوانساری، جوشقانی، تهرانی (تمیم‌داری، ۱۳۸۸: ۱۱۷-۱۱۴)، آذری و عربی.

۲. دیانت

دیانت را می‌توان در حوزه دین و مذهب مورد توجه قرار داد. استمرار مؤلفه دیانت در هویت فرهنگی ایرانیان غیر قابل انکار است و دین نیز مانند زبان در حوزه هویت فرهنگی و هویت ملی مورد نظر بوده است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). تنوع دینی و مذهبی یکی از ویژگی‌های بارز اقوام ایرانی است که نقش عمده‌ای در هویت بخشی قومی و فرهنگی این اقوام بازی می‌کند و یکی از انسجام بخش‌ترین عناصر در حفظ همبستگی و وحدت قومی و ملی است. تنوع دینی و مذهبی را می‌توان در نقاط مختلف ایران مشاهده کرد (قیصری، ۱۳۸۶: ۷۲).

۳. جغرافیای فرهنگی

عوامل مؤثر در تنوع قومی، همان عواملی‌اند که سبب مرزبندی آنهاست. این عوامل یا عناصر فرهنگی عبارتند از: نام، زبان، دین، آداب و رسوم، موسیقی و رقص، لباس، احساس تعلق و همبستگی و به طور کلی، فرهنگ و تاریخ مشترک. گاهی ممکن است علاوه بر عوامل یاد شده، عوامل طبیعی مانند رودخانه‌ها، دریاها و کوه‌ها نیز در مرزبندی اقوام دخالت داشته باشند. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

انسان به لحاظ جغرافیایی و مکانی با محیط زندگی خود ارتباط برقرار می‌کند. این بستگی جغرافیایی، نقش مهمی در هویت فرهنگی نیز دارد. در واقع؛ همان‌طور که شرایط اقلیمی در رفتارهای فرهنگی، آداب و رسوم و اخلاقیات افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارد، بر لایه‌های زیرین فرهنگی که هویت فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد، مؤثر است. با توجه به ارتباط عمیقی که بین جغرافیا و نمودهای مادی و معنوی فرهنگ برقرار است، می‌توان جغرافیای فرهنگی را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی هر کشوری تلقی کرد. جغرافیای فرهنگی ایران نیز با در نظر گرفتن ارتباطی که با سایر مؤلفه‌های هویتی دارد و بر اساس تغییرات گوناگون فرهنگی و هویتی که در دوره‌های مختلف تاریخی رخ داده، از جایگاه بی بدیلی برخوردار است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۷۸). چنانکه مشاهده می‌شود هر یک از اقوام ایرانی به فراخور جغرافیای مکانی که در آن سکونت دارند، آداب و رسوم و آیین‌هایی خاص خود را دارند که در سایر اقوام مشاهده



نمی‌شود. ویژگی‌های خاص فرهنگی هر یک از اقوام ایرانی (مانند آداب و رسوم، نوع پوشش و لباس و...) که ریشه در شرایط جغرافیایی و مکانی آنها دارد، هویت قومی و فرهنگی ویژه‌ای به این اقوام می‌دهد که وجه تمایز آنان با سایرین شمرده می‌شود.

۴. تاریخ و حافظه فرهنگی

همان طور که یک فرد مجموعه‌ای از انباشت تجربی را در خود دارد، یک گروه و جمع انسانی نیز انباشت تجربه‌های تاریخی برآمده از دوره‌های گوناگون زمانی را به دنبال دارد. این نظام حافظه‌ای، همان نمود فرهنگی تاریخ است که به شکل آداب و رسوم، شعائر، قصه‌ها، اسطوره‌ها و غیره ظهور و بروز می‌یابد. با چنین مبنایی، یک جمع انسانی که در یک طول تاریخی با هم زندگی می‌کنند، در خلق انباشت تجربی با یکدیگر شریکند. با این نگاه، تاریخ فرهنگی یک کشور منبع و مؤلفه اساسی هویت فرهنگی به شمار می‌رود. تاریخ فرهنگی ایرانیان یکی از منابع مهم هویت‌بخش در طول انباشت تجارب ایرانیان به شمار می‌رود. مؤلفه‌های هویتی تاریخ فرهنگی در دو بخش میراث مادی و میراث معنوی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵)

۵. نظام اجتماعی

هویت، مفهومی نسبی است؛ یعنی هم به لحاظ مکانی و هم به لحاظ زمانی در حال تغییر و دگرگونی است. این تغییر و تحول ممکن است در نظام ذهنی فرد، گروه یا جامعه رخ دهد یا در ساختار و روابط اجتماعی و فرهنگی نمود یابد؛ اما در هر حال تأثیر مستقیمی بر تکوین، حفظ و تغییر هویت فرهنگی دارد. گستره پهنای نظام اجتماعی در ادبیات مؤلفه‌های هویتی را می‌توان در پنج خرده‌نظام آموزشی، نظام خانوادگی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و نظام سیاسی - حقوقی مورد توجه قرار داد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). نظام اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در هویت فرهنگی اقوام است؛ به طوری که می‌توان گفت ساختار حاکم بر روابط خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اعضای هر قوم، عاملی مؤثر در شکل‌گیری هویت قومی افراد است. خانواده به عنوان اولین گروه تأثیرگذار در اجتماعی شدن، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت قومی و فرهنگی فرد ایفا می‌کند. آموزش نیز از مهم‌ترین ابزارهای شکل‌گیری و تقویت هویت فرهنگی و قومی است. نوع آموزش‌های ارائه شده به افراد، از جمله زبان و الفبا، ادبیات و هنرهای مختلف هر قوم می‌تواند نقشی اساسی در شکل‌گیری، حفظ و تقویت هویت فرهنگی آنها ایفا کند.



پس از آشنایی با مفاهیم هویت فرهنگی و هویت قومی و نقش این دو مؤلفه در شکل‌گیری هویت فرهنگی اقوام ایرانی، به بررسی مفهوم هویت ملی و انسجام ملی و تأثیر هویت فرهنگی اقوام ایرانی بر این دو مؤلفه می‌پردازیم.

ز) هویت ملی

هویت ملی، تجلی چپستی و کیستی کلان فرهنگی اجتماعات عظیم و متکثر انسانی و فراتر از تعلقات محدود قومی و قبیله‌ای است که در طول تاریخ با تکیه بر مؤلفه‌های مشترک، نظیر دین، زبان، سمبل‌ها، نمادها، ارزش‌ها، خاطرات، سرنوشت و میراث مشترک به هویت کلان فرهنگی ملت‌ها معنی و مفهوم بخشیده است (صالح، ۱۳۸۸: ۱۲۳). هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی و تقریباً آخرین هویت اکتسابی است که توسط فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌شود. (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۴۹)

ح) انسجام ملی

وحدت و همبستگی ملی به معنای هماهنگی و همبستگی میان اجزای تشکیل‌دهنده یک نظام سیاسی و اجتماعی و یکی از مؤلفه‌های اقتدار و امنیت ملی است. عوامل گوناگونی در تأمین وحدت ملی دخیل هستند. یکی از اساسی‌ترین عناصر و پیش‌شرط‌های ضروری دستیابی به وحدت و همبستگی ملی، «هویت ملی» است. به طور کلی عناصر شکل‌دهنده وحدت و همبستگی ملی را می‌توان شامل سرزمین، دولت، دین و مذهب، زبان رسمی مشترک، آداب و رسوم و تاریخ مشترک دانست. (قاسمی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۵)

ط) هویت فرهنگی اقوام ایرانی و هویت و انسجام ملی ایرانیان

سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا وجود هویت‌های فرهنگی و قومی چندگانه در درون یک ملت، مانع از تحکیم وحدت ملی نیست؟ شاید بتوان گفت اگر میراث تاریخی مشترک؛ یعنی داستانها و افسانه‌ها و اساطیر و حماسه‌ها و سنن و خاطرات خوش و ناخوش و احساسات و علائق عاطفی مشترک و توجه مستمر به آن میراث و سنن و اساطیر وجود داشته باشد، هویت ملی برتر از هویت‌های قومی چندگانه خواهد



بود و وحدت ملی با وجود چند قومیت استوار خواهد شد، البته به شرطی که فرهنگ، قوم، فرقه مذهبی، سیاسی، ایدئولوژی و قشر و طبقه خاصی، منحصرأ قدرت را در دست نگیرد و با خودکامگی و زورگویی و سلطه‌جویی و برتری‌خواهی، آزادی و احساس همدلی و همدردی و همبستگی و امکان همجواری و همکاری و همزیستی را از بین نبرد. بنابر این، تحکیم وحدت ملی جز با رعایت حق آزادی میسر نیست و اگر در برهه‌ای از زمان، احساس هویت یا وحدت ملی در ایران چندان قدرتمند نبوده و حتی سست و شکننده بوده، برای این است که غالباً زور و سلطه حاکم بوده است. (ستاری، ۱۳۷۰: ۳۶)

تکثر و تنوع فرهنگی از آغاز پیدایش تاکنون، جزیی از هویت و فرهنگ ایرانی بوده و ویژگی جدایی‌ناپذیر هویت ملی ایرانی است (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). آنچه امروزه هویت ایرانی می‌نامیم، اختصاص به قوم خاصی ندارد. دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ، مدیون گروه‌های مختلف قومی است؛ چرا که هر یک با افزودن لایه‌های هویتی و فرهنگی، به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند. به این لحاظ، هویت فرهنگی مردم ایران، فرهنگ و هویت گروه‌های قومی مختلف بوده که در گذر زمان شکل واحد و فرا قومی در حد یک ملت کهن یافته است. (ساج، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

از کالبدشکافی و بازشناسی سیر تحولات تاریخ، ادبیات و هنر و فرهنگ ایران چنین مستفاد می‌شود که هسته مرکزی هر ایرانی را زبان و ادبیات شکل داده‌اند؛ یعنی ایرانی به هر دلیلی زبان و ادبیات را بیش از هر عنصر فرهنگی، انسانی، ذوقی و هنری دیگر، عامل تداوم حیات، تنفس، اندیشه، آرمان و ذوق و پناهگاه حفاظت از خویشتن خویش تشخیص داده است (کریمی، ۱۳۸۸: ۷۳). ادبیات هزار ساله فارسی با همه فراز و فرودهای شگفت‌انگیزش، جلوه‌گاه کوشش‌ها و جوشش‌های پیگیر و مستمر ملت ایران در ابعاد گوناگون هنر، اخلاق، حماسه، عرفان و آیین تمام‌نمای هویت فرهنگی و اجتماعی و تصویر روشن فرهنگ و تمدن ایرانی است و در عصر ما به عنوان یکی از بنیادهای هویت ملی ایرانیان محسوب می‌شود. (آزرمی، ۱۳۸۸: ۱۰۲)

در حقیقت؛ فرهنگ ایرانی مجموعه‌ای از عناصر مختلف فرهنگی اقوام ایرانی است؛ به طوری که طی قرون متمادی، هر یک از این اقوام با افزودن عناصر فرهنگی خود به فرهنگ ایرانی، به پرباری آن افزوده‌اند. بنابر این، هویت فرهنگی ایرانیان را نمی‌توان جدای از هویت فرهنگی اقوام ایرانی دانست. از سوی دیگر، اقوام بختیاری، لر، کرد، ترک،



عرب، بلوچ، فارس و ترکمن، با هر دین و مذهبی، ضمن حفظ و صیانت از زبان، آیین‌ها، آداب و رسوم، عقاید، باورها و عناصر فرهنگی قوم خود، به عناصر فرهنگ و هویت ملی ایرانی پایبند بوده و فرهنگ ایرانی را جدای از فرهنگ قومی خود نمی‌دانند؛ بلکه خود را جزئی از این فرهنگ بزرگ و غنی محسوب می‌کنند. رابطه فرهنگ اقوام ایرانی با فرهنگ ملی آن، رابطه‌ای اختیاری است، نه اجباری و دستوری. بنابر این، چنین ارتباط تنگاتنگ و مستحکمی را باید غنیمت شمرد و از آن در اعتلای متقابل فرهنگ قومی و ملی و تقویت هویت و انسجام ملی بهره برد.

نکته قابل توجه این است که اگر فرهنگ، مذهب یا زبان هر یک از اقوام ایرانی توسط فرهنگ مسلط یا سیستم حکومتی تهدید یا تحقیر شود، نتیجه‌ای جز تضعیف رابطه فرهنگ قومی با فرهنگ ملی در بر نداشته و در نهایت، موجب جدایی فرهنگ قومی اقوام ایرانی از فرهنگ ملی خواهد شد و در این حالت، فعالیت‌های جدایی‌طلبانه فرهنگی سیاسی دور از ذهن نخواهد بود.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت سرزمین مشترک، دولت یکپارچه، آداب و رسوم، زبان رسمی، دین و مذهب و تاریخ مشترک، مهم‌ترین عناصر انسجام ملی یک کشور است که در این قسمت، نقش اقوام ایرانی و هویت فرهنگی این اقوام، در حفظ انسجام ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وجود سرزمین مشترک، از عوامل اساسی شکل‌گیری همبستگی ملی میان مردمی است که در آن سرزمین زندگی می‌کنند. سرزمین ایران از دیرباز مأمن اقوام متعددی بوده است که از گذشته‌های دور در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. حراست و نگهبانی از این سرزمین مشترک همواره به عنوان عاملی اساسی در همبستگی مردم ایران نقش مؤثر داشته است. فرهنگ حفظ و حراست از قلمرو قومی و ملی در میان اقوام ایرانی دارای پشتوانه تاریخی بسیار غنی است. نمونه متأخر این حراست و دفاع از سرزمین و انسجام ملی را می‌توان در هشت سال دفاع مقدس مشاهده کرد که کلیه اقوام ایرانی از هر قوم و مذهبی به دفاع از سرزمین ایران و انسجام ملی خود پرداختند.

دولت و نظام سیاسی و دستگاه حکومت، عامل دیگری است که نقش عمده‌ای در ایجاد و حفظ همبستگی ملی در سطوح مختلف دارد. در واقع؛ همبستگی ملی، محصول ساختار قدرت سیاسی است. با نگاهی به اعصار مختلف در تاریخ ایران می‌توان نقش



پر رنگ اقوام مختلف ایرانی را در شکل‌گیری دولت‌ها مشاهده کرد؛ چنانچه قوای سیاسی و نظامی کشور معمولاً از افرادی از اقوام مختلف ایرانی تشکیل شده بودند. مشارکت این اقوام با فرهنگ‌های گوناگون در ساختار سیاسی کشور، به عنوان یک دولت و حکومت یکپارچه، همواره عاملی اساسی در حفظ انسجام و همبستگی ملی بوده است. چنانچه هر یک از اقوام ایرانی به دلیل داشتن فرهنگ، عقاید، آداب و رسوم و دین و مذهب متفاوت؛ از مشارکت در دولت و حکومت محروم و طرد شوند، دچار سرخوردگی فرهنگی و قومی شده، در مواجهه با فرهنگ ملی، موضع تدافعی و خصمانه خواهند داشت که به انسجام ملی و یکپارچگی کشور آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد خواهد ساخت.

دین و مذهب به مثابه یکی از ریشه‌ای‌ترین عناصر هویت بخش فرهنگی در جوامع، همواره به عنوان یکی از عوامل مؤثر در همبستگی ملی مورد توجه بوده است و نقشی اساسی در پیدایش وفاق و انسجام اجتماعی ایفا کرده است. مذاهب شیعه و سنی و ادیان مسیحی، کلیمی و زرتشتی، به عنوان عناصر هویت بخش فرهنگی برای اقوام مختلف ایرانی، همواره نقشی اساسی در حفظ انسجام قومی داشته‌اند. لزوم وجود رویکردی هم‌افزا بین این ادیان و مذاهب مختلف، در حفظ انسجام و یکپارچگی ملی اقوام مختلف ایرانی در قالب ملتی منسجم و یکپارچه، یکی از حساس‌ترین ضروریات دستیابی به انسجام ملی در کشور است که این امر مهم با احترام به عقاید مذهبی اقوام ایرانی و اقلیت‌های مذهبی میسر می‌شود.

زبان نیز جزئی از عناصر مهم و تشکیل‌دهنده وفاق و همبستگی ملی است. وجود زبان رسمی مشترک همواره به عنوان عامل ارتباطی بین مردم درون یک سرزمین مورد توجه بوده است؛ هر چند ممکن است در کنار زبان مشترک، زبان‌ها و لهجه‌های غیر رسمی مختلفی وجود داشته باشد. به طوری که مشاهده می‌شود، هر یک از هویت‌های عمده قومی در ایران بر گرد یکی از زبان‌های فارسی، بختیاری، لری، کردی، بلوچی، آذری، گیلکی، مازنی و عربی شکل گرفته است. زبان به عنوان عامل انتقال فرهنگ مکتوب و شفاهی از زمانی به زمان دیگر و اصلی‌ترین عامل هویت بخش فرهنگی اقوام، همواره مورد توجه قومیت‌های مختلف قرار داشته و آموزش زبان‌های قومی یکی از خواسته‌های دیرینه اقوام ایرانی بوده است. اما برخی افراد؛ آموزش و گسترش زبان‌های قومی و محلی را عاملی در تضعیف انسجام ملی دانسته، با آن به مخالفت پرداخته‌اند.



چنانچه به تنوع و کثرت‌گرایی فرهنگی معتقد باشیم، نمی‌توانیم زبان‌های قومی را نادیده گرفته و تنها در جهت توسعه یک زبان رسمی و حذف سایر زبان‌ها و گویش‌های محلی گام برداریم؛ بلکه لازم است به آموزش و گسترش هر دو زبان رسمی و قومی اهمیت دهیم. آموزش و کاربرد هر دو زبان رسمی و قومی در میان اقوام ایرانی نه تنها با یکدیگر منافاتی ندارد، بلکه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؛ به طوری که گسترش زبان‌های قومی ضمن حفظ و انتقال فرهنگ شفاهی و مکتوب اقوام از نسلی به نسل دیگر، می‌تواند نقش مهمی در راستای غنی‌سازی فرهنگ و هویت قومی و ملی ایفا کند؛ آنچه به انسجام ملی لطمه وارد می‌کند، ممنوعیت و بی‌توجهی به آموزش و گسترش زبان‌های قومی و محلی و تنها تأکید بر زبان رسمی و تلاش در جهت یکسان‌سازی زبانی است. این امر موجب موضع‌گیری اقوام در مقابل زبان رسمی شده، قومیت‌ها در جهت گسترش بیشتر زبان قومی خود و محدودیت کاربرد زبان رسمی تلاش خواهند کرد که در این صورت، به وحدت و انسجام ملی آسیب جدی وارد شده، موجب تضعیف بنیان‌های فرهنگی کشور می‌شود.

باورها، ارزش‌ها، رفتارها، رسوم و آداب مشترک، به عنوان یکی از گام‌های اولیه و زیربنای تفاهم و همبستگی میان انسان‌ها همواره مدّ نظر بوده است. آیین‌های مشترک، نظیر اعیاد و جشن‌ها و احترام به این آداب و رسوم، نقش بسزایی در شکل‌گیری وفاق اجتماعی و همبستگی ملی مردم درون یک سرزمین دارد. هویت فرهنگی ایرانیان را می‌توان آمیزه‌ای از سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی دانست. بهره‌مندی اقوام ایرانی از فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی در کنار فرهنگ قومی، موجب پدید آمدن نقاط اشتراک بسیاری میان این اقوام شده که یکی از عناصر اتحاد و همبستگی آنها در قالب یک ملت منسجم است. اعیاد ملی و مذهبی نمونه بارزی از این عناصر فرهنگی انسجام‌بخش ملی است که مورد توجه اقوام ایرانی است. احترام به آداب و رسوم و عقاید خاص قومیت‌ها توسط فرهنگ مسلط جامعه می‌تواند به انگیزه اقوام برای حفظ وحدت و همبستگی در قالب یک کشور یکپارچه کمک شایانی بکند.

پیشینه و تجربه تاریخی مشترک، از عوامل اساسی ایجاد همبستگی ملی درون یک جامعه است. افرادی که دارای دردها، رنج‌ها و شادی‌های مشترک باشند، احساس همبستگی بیشتری نسبت به هم دارند. گذشته تاریخی اقوام ایرانی یادآور روزهای تلخ و



شیرین مشترک بسیاری است. رشادت‌ها و دلاوری‌های این اقوام در برابر هجوم بیگانگان و پیروزی‌ها و شکست‌های حاصل از آن، از جمله خاطرات ماندگار تاریخ این سرزمین است. به گواهی تاریخ؛ هرگاه گوشه‌ای از این سرزمین مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته است، کشور شاهد اتحاد و همدلی کلیه اقوام در دفاع از سرزمین ایران بوده که نتیجه آن در برخی موارد، پیروزی بر متجاوزان و در برخی از موارد، از دست دادن قسمتی از وطن بوده است. از دیگر نمونه‌های تاریخی انسجام ملی ایرانیان در حفظ و صیانت از آزادی و منافع ملی، می‌توان به انقلاب مشروطه، نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی اشاره کرد. در اینجا این نکته قابل ذکر است که اساساً شکل‌گیری کشور ایران، حاصل اتحاد اقوام مختلف در دوره مادها در قالب یک کشور یکپارچه است. وجود چنین گذشته تاریخی چندهزار ساله و زندگی اقوام ایرانی در کنار یکدیگر، باعث پدید آمدن حس وطن‌دوستی فراتر از منافع قومی و قبیله‌ای در میان اقوام ایرانی شده که یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های هویت و انسجام ملی ایرانیان است.

اگر چه عواملی همچون: زبان، اعتقادات، سرزمین مادری و تاریخی مشترک، عاملی در تحکیم وحدت می‌باشند، اما کافی نیستند. در واقع؛ مردمی؛ که از اقوام مختلف با عادات و اخلاق و خوراک و پوشاک متفاوت گرد هم آمده و آداب و رسوم بومی گوناگونی دارند و به چند زبان مادری سخن می‌گویند، با کدام رشته نامریی استواری به هم بسته و پیوسته‌اند که می‌توان نام ملتی واحد و یکپارچه بر آنان نهاد! بی‌گمان زبان مشترک یا زبان ملی پارسی که وسیله تفهیم و تفاهم همگان است و اشتراک در تاریخی که گر چه پاره‌پاره است، اما یکسان بر همه گذشته است و ایمان به دینی که با وجود در بر گرفتن مذاهبی چند، در اصل یکی از، پایه‌های وحدت ملی یا هویت واحد فرهنگی را بنیان نهاده است. اما آنچه باعث شده است که ایرانی خود را نه تنها با هموطن ترکمن و تاجیک و آذربایجانی آن سوی ارس خویشاوند بشناسد، اشتراک در اساطیر دینی و دنیوی و رمزهایی زنده و دوام‌پذیر است که همگان آن را به یک معنی درمی‌یابند؛ این بهره‌مندی از گنجینه‌ای همگانی، اغلب ناخودآگاه است و معمولاً مردم بدان آگاه نیستند. اما به محض آنکه حالتی بحرانی پدید آمد و مثلاً جنگی در گرفت و تهدید هجوم بیگانگان حس مقاومت را برانگیخت، نمایان می‌شود. چنانکه تلاش فاتحان مقدونی برای اضمحلال هویت ایرانی در فرهنگ یونانی بی‌ثمر ماند و عصیت طایفه‌ای و قبیله‌ای

بنی امیه، عکس العملی را برانگیخت که با تلاش ایرانیان به سرنگونی امویان و خلافت عباسیان انجامید. (ستاری، ۱۳۷۰)

ی) نتیجه گیری

حفظ هویت و انسجام ملی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهایی است که از تنوع قومی، زبانی، مذهبی و به طور کلی، تنوع فرهنگی برخوردارند. نگاهی به تاریخ معاصر و فروپاشی کشورهای همچون: شوروی و یوگسلاوی و وضعیت کنونی عراق، افغانستان و سوریه، بیانگر اهمیت مدیریت تنوع فرهنگی و حفظ هویت و انسجام ملی است. این مهم در خصوص کشور ایران که از تنوع گسترده فرهنگی، قومی و مذهبی برخوردار است، اهمیتی حیاتی دارد. تحولات کنونی منطقه لزوم برخورداری از برنامه‌ای کارآمد جهت حفظ انسجام فرهنگی و ملی کشور را ضروری می‌نماید. ایران کشوری است متشکل از اقوام و فرهنگ‌های مختلف که متناظر با برخی از این اقوام در آن سوی مرزها کشوری مستقل وجود دارد و در صورت عدم مدیریت صحیح فرهنگی شاهد تضعیف هویت ملی و انسجام ملی و فرهنگی در کشور خواهیم بود. با توجه به تکثر و تنوع فرهنگی حاکم بر فضای فرهنگی ایران بدیهی است که نمی‌توان نقش مؤثر اقوام و هویت فرهنگی و قومی آنها را در شکل‌دهی به هویت فرهنگی، هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان نادیده گرفت. بنابر این، اگر رویکردی مناسب در برخورد با اقوام، فرهنگ و هویت قومی آنها اتخاذ شود، می‌توان گام‌های مؤثری در تقویت هویت فرهنگی و ملی و انسجام ملی ایرانیان برداشت. با پذیرش تنوع فرهنگی اقوام ایرانی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی آنها و استفاده از رویکرد هم‌افزایی فرهنگی، می‌توان با بهره‌گیری از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف اقوام، به تحکیم بنیان‌های هویت و انسجام ملی کمک شایانی کرد. در نهایت باید گفت دستیابی به انسجام ملی و فرهنگی در ایران، بدون در نظر گرفتن فرهنگ و هویت فرهنگی اقوام ایرانی امکان‌پذیر نیست.

منابع

- آزرمی، سعید (۱۳۸۸). «هویت فرهنگی و اجتماعی ایرانیان». پژوهشنامه هویت اجتماعی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۴۹: ۹۳-۱۲۰.



- آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی(۱۳۸۹). «هویت فرهنگی ایرانیان؛ از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۴: ۱۸۵-۱۵۷.
- پارسا بروجنی، اقدس و مهین تحویلین(۱۳۸۷). ما و جهانی شدن. اصفهان: هنرهای زیبا.
- تمیم‌داری، احمد(۱۳۸۸). «زبان فارسی و گویش‌ها». پژوهشنامه زبان فارسی؛ چالش‌ها و راهبردها، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۳۵: ۱۲۰-۹۳.
- رضایی، زهرا(۱۳۸۸). «بررسی نقش نظام آموزشی در هویت ملی». پژوهشنامه هویت اجتماعی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۴۹: ۱۶۵-۱۴۳.
- روح‌الامینی، محمود(۱۳۸۴). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: عطار، چ هشتم.
- ستاری، جلال(۱۳۷۰). «هویت ملی و هویت فرهنگی». فصلنامه تئاتر، ش ۱۶: ۳۸-۱۱.
- صالح، فروغ(۱۳۸۸). «هویت ملی، هویت قومی و وفاق ملی». پژوهشنامه هویت اجتماعی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۴۹: ۱۴۲-۱۲۱.
- صالحی امیری، سیدرضا(۱۳۸۸). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی امیری، سیدرضا(۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صالحی امیری، سیدرضا(۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.
- فراهانی، عاطفه(۱۳۸۶). «مطالعات قومی: مفاهیم و نظریات». پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۸: ۱۱۸-۸۷.
- قاسمی، علی‌اصغر و غلامرضا ابراهیم‌آبادی(۱۳۸۹). «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران». پژوهشنامه هویت، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۳: ۱۳۸-۹۳.
- قیصری، نوراله(۱۳۸۶). «تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی». پژوهشنامه تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۸: ۸۴-۵۱.
- کریمی، علی(۱۳۸۷). مدیریت سیاسی در جوامع چند فرهنگی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کریمی، وهاب(۱۳۸۸). «نقش هویت اجتماعی در تأمین امنیت». پژوهشنامه هویت اجتماعی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۴۹: ۹۲-۶۱.
- کوش، دنی(۱۳۸۱). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. ترجمه فریدون وحید. تهران: سروش.
- گل‌محمدی، احمد(۱۳۸۳). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی، چ دوم.
- مهدوی، سید محمدصادق و فرحناز توکلی قینانی(۱۳۸۸). «هویت قومی آرامنه: مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در استمرار قومی آرامنه(مطالعه روی آرامنه تهران)». پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش ۴: ۱۰۱-۷۱.
- نساج، حمید(۱۳۸۸). «جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی؛ با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم». دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، ش ۵: ۱۵۶-۱۲۹.
- وحید، مجید(۱۳۸۲). سیاستگذاری و فرهنگ در ایران امروز. تهران: باز.